



سه شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۸۶

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

تور هبر می شوی نصرالله

هنگلی که آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر، عمامه مشکی را بر سر طلبه جوان لبنانی [سیدحسن نصرالله] گذاشت به او گفت: تو شأن بسیار والایی داری و من در وجود تو رایحه رهبری و فرماندهی را استشمام می‌کنم و آن‌ش‌الله از یاران امام مهدی عجل‌الله فرجه خواهی بود.

سیدمحمدباقرصدر
السیره‌والمسیره فی حقائق و وثائق
احمد عبدالله ابوزید العالمی
سیدمحمدشاهرودی
مؤسسه‌العارف للمطبوعات
جلد ۳، صفحه ۴۲۰.

اخبار

اعتراض جهانی به سکوت نمایشگاه بولونیا درباره کودک فلسطینی



انجمن جهانی «ناشران برای فلسطین» در بیانیه‌ای سکوت نمایشگاه کتاب بولونیا به عنوان بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان دنیا را در برابر نسل‌کشی اسرائیلی‌ها در غزه محکوم کرد. نمایشگاه کتاب بولونیا یکی از معتبرترین و بزرگ‌ترین نمایشگاه‌های کتاب کودک و نوجوان در جهان است که هر ساله در شهر بولونیا ایتالیا برگزار می‌شود.

این نمایشگاه به‌طور ویژه به ناشران، نویسندگان، تصویرگران، مترجمان و سایر فعالان صنعت نشر کودک و نوجوان اختصاص دارد. شصت‌ودومین دوره نمایشگاه کتاب بولونیا که در آن بیش از ۱۵۰۰ ناشر از ۱۰۰ کشور جهان شرکت کرده بودند، ۱۴ فروردین‌ماه امسال در ایتالیا به پایان رسید.

پس از پایان این دوره نمایشگاه، انجمن ناشران حامی فلسطین بیانیه‌ای در اعتراض به سکوت نمایشگاه کتاب بولونیا در قبال مساله فلسطین و نسل‌کشی کودکان غزه منتشر کرد. «ناشران برای فلسطین» یک گروه همبستگی جهانی متشکل از بیش از ۵۰۰ ناشر است که از عدالت، آزادی بیان و قدرت کلام مکتوب در همبستگی با مردم فلسطین دفاع می‌کنند. کنش‌های که موجب اعتراض هزاران فعالان حامی حقوق مردم فلسطین در جهان شده این است که نمایشگاه کتاب بولونیا به عنوان بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین نمایشگاه تجاری نشریات کودک در جهان در اعتراض به خشونت‌های هولناک مداوم علیه کودکان فلسطینی اظهارنظر نکرده است. نمایشگاه کتاب کودک بولونیا در حالی در برابر نسل‌کشی مداوم فلسطینیان توسط اسرائیل سکوت کرده که درخواست ناشران فلسطینی و عرب برای تعلیق مشارکت اسرائیل را نیز نادیده گرفته است. در این بیانیه آمده است: «در هفته‌های اخیر وزارت بهداشت غزه سندی هزار و ۵۰۰ صفحه‌ای را منتشر کرد که در آن کشته شدن بیش از ۵۰ هزار فلسطینی توسط اسرائیل تایید شده است. در میان آنها نام بیش از ۱۵ هزار و ۶۰۰ کودک فلسطینی وجود دارد. بر اساس برآوردهای سازمان ملل متحد و بر اساس چشم‌انداز جمعیت جهان در سال ۲۰۲۴، امید به زندگی کودکان فلسطینی تنها از اکثتر تا دسامبر ۲۰۲۳ به میزان ۱۱.۵ سال کاهش یافته است.

سکوت نمایشگاه کتاب بولونیا نسبت به جنایت‌های اسرائیل و نسل‌کشی‌ای که در غزه رخ می‌دهد در حالی است که این نمایشگاه در سایت خود ادعا کرده است «همیشه تلاش می‌کند فضا را برای صداهای به حاشیه رانده‌شده محفوظ نگه دارد».

«بیعی و دوستان»

هم به تصادف نه گفتند

برنامه «بیعی و دوستان» به دنبال پویش «ته به تصادف» راهی شبکه پویا می‌شود. به نقل از روابط عمومی برنامه، شبکه پویا به دنبال اجرای پویش ملی «ته به تصادف» که از ۲۵ اسفند سال گذشته با هدف فرهنگ‌سازی و گوشزد کردن خطرات راه به عموم مردم آغاز شد و تا ۱۵ فروردین ادامه داشت، برنامه‌ای با عنوان «بیعی و دوستان» ویژه کودک و خردسالان تدارک دیده که در آن به موضوعاتی چون رفتار صحیح هنگام رانندگی و فرهنگ سرزنش‌نا و همچنین موضوعات حوزه سلامت می‌پردازد.

در این برنامه علاوه بر ۲ شخصیت شناخته‌شده شبکه پویا که جالب و جویا نام دارند، یک شخصیت جدید به نام «پوق» هم حضور دارد. ضمن اینکه عروسک بیعی که برای بسیاری از کودکان شناخته‌شده و مربوط به انیمیشن «بیعی قهرمان» است هم در این برنامه ایفای نقش می‌کند.

برنامه تلویزیونی «بیعی و دوستان» در هفته ملی سلامت (یکم تا هفتم اردیبهشت‌ماه) به موضوعات حوزه سلامت کودکان می‌پردازد.

این مجموعه ۲۶ قسمتی که از پنجشنبه ۲۲ فروردین‌ماه پخش خود را آغاز می‌کند، در ساعت‌های ۱۱ و ۱۳ به کارگردانی عادل زمانی و تهیه‌کنندگی هدی شکیلماجد از شبکه پویا پخش می‌شود.

حضرت امام صادق(ع)

خدا دنیا را به دوست و دشمنش عطا می‌کند ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

شانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲ تلفن: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲ نمابر: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲
پيامبرسان: vatanemrooz@تلفن: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰

درباره فیلم موسی کلیم‌الله(ع)

و برای بهتر شدن آن در نسخه سریالی

تغییر لازم دارد

۳ شخصیت سرگردان در جزیره نمایش داده شدند که در سریال اصلی قرار شد به کلی تغییر کنند یا حذف شوند. برای همین آن قسمت پایلوت به طور کلی حذف شد. گاهی هم پیش آمده که بازیگران سربرنامه برای حضور در سریال اصلی در دسترس نیستند. مثلاً در سریال کانی و لیس (Cagney & Lacey) بازیگر نقش کریس کانی با اینکه در نسخه پایلوت حضور داشت، نتوانست در سریال هم حاضر باشد و بخش‌های مربوط به او دوباره فیلمبرداری شدند و پایلوتی که این بازیگر در آن حضور داشت، به عنوان نسخه‌ای جداگانه عرضه شد.

ذکر این نکات از این جهت لازم بود تا مشخص شود تغییرات فصل اول سریال موسی نسبت به نسخه سینمایی آن تا چه حد می‌تواند باشد. بدون شک برگ برنده اصلی فیلم موسی نقش مادر موسی با بازی مریلا زارعی است. این شخصیت هم در فیلم‌نامه بهتر درآمده و هم در اجرا و بخش‌های مهمی از کار حتی اگر سایر بازیگران عوض شوند، بدون ضبط مجدد و با بازی مریلا زارعی می‌تواند سر جای خودش باقی بماند. حاتمی‌کیا نخستین کسی بود که در دهه ۶۰ در سینمای ایران از بازیگران استفاده کرد. توجه به این نکته غیر از اشاره مکرر به ابتکارات اول‌باره این فیلمساز در سینمای ایران، این را هم نشان می‌دهد که او اگرچه شخصیت‌های جذاب و اصطلاحاً بازی‌خوری می‌کند اما لزوماً به همان اندازه که در قاب‌بندی و میزانشن و شناخت لنز و نور و رنگ و ریتم و تدوین و نشسته و برخاست موسیقی ماهر است، در بازی گرفتن از هنرپیشه‌ها و رساندن‌شان به نقشی که در فیلم‌نامه خلق کرده ماهر نیست. «خروج» که قبل از موسی آخرین فیلم حاتمی‌کیاست، نشان می‌داد او فقط روی بازی گرفتن از شخصیت اصلی‌اش با بازی فرامرز قریبیان تمرکز داشت و از باقی هنرپیشه‌ها غافل شد تا جایی که خیلی‌های آنها در کلیشه‌های تلویزیونی و نمایش‌های رادیویی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خودشان غلغله شدند. در موسی هم تمام تمرکز کارگردان روی بازی گرفتن از نقش مادر موسی بود و باقی هنرپیشه‌ها انگار رها شده بودند و چیزی مهارشان نمی‌کرد تا بیرون‌زده و غلوشده کار نکنند. به عنوان مثال بازی شکیب شجره در نقش رئیس مأموران فرعون حتی از کاراکترهای انیمیشنی هم غلوشده‌تر است. این بازیگران انگار در خلا بودند و در موقعیتی که حتی دکور وجود نداشت تا حس صحنه را به آنها منتقل کند، شبیه کسانی شده‌اند که برای هر هنرمندی ممکن است

ایجاد شود و اکثر افراد در صورتی که حداقلی از موفقیت را کسب کنند، یا یک بار می‌درخشند و یک عمر به عنوان خاتمه‌ساز نیکو در ذهن‌ها می‌مانند و یا به عنوان افراد تازه‌نفس، خبرساز و هیجان‌انگیز می‌شوند. در بخشی از زندگی هنرمندان شخاصی این اتفاق ممکن است رخ بدهد که هم‌زمان خاتمه‌انگیز و کنجکاوی‌برانگیز باشند. مثلاً کیمیایی و مهرجویی تا مدت‌ها این‌گونه بودند اما عموماً عمر توأم شدن این ۲ خصوصیت در کسانی که به آن می‌رسند چندان زیاد نیست. ابراهیم حاتمی‌کیا لاقلاً ربع قرن است که به این ساحت، یعنی توأمان شدن ۲ خصوصیت خاتمه‌انگیز بودن و کنجکاوی‌برانگیز بودن رسیده و آن را نگه داشته است و از این جهت هر کار جدیدی که می‌سازد، لاجرم به کارنامه‌اش ستقاج می‌شود و با باقی آثارش مقایسه می‌شود و از آن سو هر اثر آموزش باعث ایجاد حدس‌هایی درباره افق‌های آینده او در کار حرفه‌ای‌اش خواهد شد.

پروژه موسی کلیم‌الله هم لاجرم چنین وضعی پیدا می‌کند و با توجه به نام کارگردانش در گذشته و افق‌های آینده کاری او بررسی می‌شود. حاتمی‌کیا قبل ۲ بار طبع خودش را در سریال‌سازی آزموده بود که هیچ‌کدام به اندازه کارهای سینمایی‌اش موفق نشدند و حتی خودش یک بار گفت من متخصص پروازهای یک‌ساعته هستم، یعنی من می‌توانم قصه‌ای یکی‌دو ساعته را به صورت تصویری روایت کنم و سریال‌سازی کاری نیست که در آن بهترین باشم. از سوی دیگر حاتمی‌کیا چند بار سراغ تجربه‌های غریب و بعید رفت که با شناخت کلی مخاطبان از سینمایش تفاوت داشت. او «دعوت» را ساخت و سریال «حلقه سبز» را که هیچ ربطی به حاتمی‌کیای شناخته‌شده با آن درنمایه‌های اجتماعی و سیاسی پرحرارت نداشتند. چنین حاتمی‌کیایی وقتی قرار شد پشت دوربین برود تا سریالی تاریخی – مذهبی بسازد همه را درباره نتیجه کارش به تردید و نگرانی انداخت. این پروژه، هم سریال بود نه یک پرواز یکی‌دو ساعته و هم فضای آن به فضای آثار مالوف و همیشگی حاتمی‌کیا ربطی نداشت. تکنیک جدیدی که در این فیلم برای ساخت دکور و آکسسوار به کار رفت هم بسیار جدید بود و اساساً در ایران برای نخستین بار به کار رفت؛ تکنیکی که در آن به جز اشیایی که بازیگران لمس می‌کردند یا لباسی که بر تن‌شان بود،



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲ تلفن: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲ نمابر: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲
پيامبرسان: vatanemrooz@تلفن: ۰۲۱۶۶۱۳۷۸۲
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰



اسرارآمیز که

حضرت موسی در آن

به دنیا آمد هم می‌توانستند.

بهتر جا بیفتند؛ چه اینکه به نظر

می‌رسد این چیزها غیر از کارگردان

در فضاسازی مرتبط با هدف راوی، جذابیت

ویژه‌ای برای مخاطبان امروز هم دارند.

سال‌ها بعد درباره موسی چه می‌گویند؟

بخشی از لذت سینما کنجکاوی و شوق نسبت به دیدن فیلمی است که اخبار ساخت آن و ترکیب عواملش هیجان‌انگیزند و بخش دیگر خاطره‌بازی با فیلم‌هایی است که در دوره‌ای خاص تماشای‌شان جو پرهیجانی ایجاد کرده بود. یک بخشی از لذت رو به گذشته دارد و بخشی دیگر رو به آینده است. ابراهیم حاتمی‌کیا بدون تردید یکی از جدی‌ترین خالقان بخشی از مهم‌ترین و پرهیجان‌ترین خاطرات سینمایی چند نسل از مخاطبان ایرانی است و از چند سال پیش به این سو هر بار که فیلمی می‌سازد، از قبل کنجکاوی‌ها را درباره‌اش برانگیخته می‌کند.

این وضعیت است که برای هر هنرمندی ممکن است ایجاد شود و اکثر افراد در صورتی که حداقلی از موفقیت را کسب کنند، یا یک بار می‌درخشند و یک عمر به عنوان خاتمه‌ساز نیکو در ذهن‌ها می‌مانند و یا به عنوان افراد تازه‌نفس، خبرساز و هیجان‌انگیز می‌شوند. در بخشی از زندگی هنرمندان شخاصی این اتفاق ممکن است رخ بدهد که هم‌زمان خاتمه‌انگیز و کنجکاوی‌برانگیز باشند. مثلاً کیمیایی و مهرجویی تا مدت‌ها این‌گونه بودند اما عموماً عمر توأم شدن این ۲ خصوصیت در کسانی که به آن می‌رسند چندان زیاد نیست. ابراهیم حاتمی‌کیا لاقلاً ربع قرن است که به این ساحت، یعنی توأمان شدن ۲ خصوصیت خاتمه‌انگیز بودن و کنجکاوی‌برانگیز بودن رسیده و آن را نگه داشته است و از این جهت هر کار جدیدی که می‌سازد، لاجرم به کارنامه‌اش ستقاج می‌شود و با باقی آثارش مقایسه می‌شود و از آن سو هر اثر آموزش باعث ایجاد حدس‌هایی درباره افق‌های آینده او در کار حرفه‌ای‌اش خواهد شد.

پروژه موسی کلیم‌الله هم لاجرم چنین وضعی پیدا می‌کند و با توجه به نام کارگردانش در گذشته و افق‌های آینده کاری او بررسی می‌شود. حاتمی‌کیا قبل ۲ بار طبع خودش را در سریال‌سازی آزموده بود که هیچ‌کدام به اندازه کارهای سینمایی‌اش موفق نشدند و حتی خودش یک بار گفت من متخصص پروازهای یک‌ساعته هستم، یعنی من می‌توانم قصه‌ای یکی‌دو ساعته را به صورت تصویری روایت کنم و سریال‌سازی کاری نیست که در آن بهترین باشم. از سوی دیگر حاتمی‌کیا چند بار سراغ تجربه‌های غریب و بعید رفت که با شناخت کلی مخاطبان از سینمایش تفاوت داشت. او «دعوت» را ساخت و سریال «حلقه سبز» را که هیچ ربطی به حاتمی‌کیای شناخته‌شده با آن درنمایه‌های اجتماعی و سیاسی پرحرارت نداشتند. چنین حاتمی‌کیایی وقتی قرار شد پشت دوربین برود تا سریالی تاریخی – مذهبی بسازد همه را درباره نتیجه کارش به تردید و نگرانی انداخت. این پروژه، هم سریال بود نه یک پرواز یکی‌دو ساعته و هم فضای آن به فضای آثار مالوف و همیشگی حاتمی‌کیا ربطی نداشت. تکنیک جدیدی که در این فیلم برای ساخت دکور و آکسسوار به کار رفت هم بسیار جدید بود و اساساً در ایران برای نخستین بار به کار رفت؛ تکنیکی که در آن به جز اشیایی که بازیگران لمس می‌کردند یا لباسی که بر تن‌شان بود،

همه چیز صحنه به طور مجازی و ۳۶۰ درجه ساخته می‌شد. صحنه‌ای از این کار را تصور کنید که در آن بر سر جماعتی پرشمار تگرگی شدید می‌بارد و آنها به این سو و آن سو می‌جند. حالا این تکرر را در نظر بگیرید که به واقع تگرگی در کار نبوده و بازیگران و هنروان باید تگرگ را تصور می‌کردند و در مقابلش واکنش پاتومیم نشان می‌دادند تا خود این دانه‌های سفید بعداً روی موز جلوه‌های ویژه به تصاویر اضافه شود. یک چنین وضعیتی همه را ترسانده بود و بیم داشتند که حاتمی‌کیا نتواند از پس کار بربیاید و هبیت او که یکی از به‌های بزرگ در معبد خدایگان سینمای ایران است بشکند. این نکته تکنیکی اما اتفاقاً حاتمی‌کیایی‌ترین بخش کار بود. او کسی است که در «موج مرده» برای نخستین بار در ایران از دوربین دیجیتال برای ساخت یک فیلم سینمایی استفاده کرد و در «چ» برای نخستین بار در سینمای ایران چنین جراتی به خرج داد که صحنه‌ای مهم و تعیین‌کننده از فیلمش یعنی سقوط هلیکوپتر را به تکنسین‌های جلوه‌های ویژه ایرانی بسپارد. چنین ماجراجویی‌هایی اتفاقاً خیلی با شخصیت این فیلمساز عجین بودند و همچنان هستند و اگر دقت کنیم، سواى اینکه کیفیت تصاویر در «موج مرده» با میزان واقع‌نمایی صحنه سقوط هلیکوپتر در «چ» تا چه اندازه بود، هر دوی این کارها و کارهای مبتکرانه دیگری که حاتمی‌کیا برای نخستین بار در ایران انجام داد، همگی بعدها توانستند چیزی به سینمای ایران اضافه کنند.

بعد از موج مرده جوانی به اسم حمید نعمت‌الله نخستین فیلمش که هنوز هم شاهکار به‌حساب می‌آید، یعنی «بوتیک» را با دوربین دیجیتال ساخت و عباس کیارستمی هم استفاده از چنین دوربین‌هایی را ادامه داد و امروز تقریباً تمام آثار سینمای ایران با همین دوربین‌ها ساخته می‌شود. دانش استفاده از دوربین دیجیتال ک‌شبه به دست نمی‌آید و از نورپردازی و لنز و انواع فیلترها گرفته تا مسائل فنی و زیبایی‌شناختی دیگر، همگی بر اثر استمرار در استفاده از چنین ابزارى در سینمای یک کشور جا می‌افتند. برای همین است که سینمای ما مدیون نخستین کسی خواهد بود که ۲۵ سال پیش این راه را باز کرد و باعث شد دانش‌آموزی در این زمینه شروع شود؛ آن هم در حالی که تا ۱۵ سال پیش هنوز خیلی از فیلم‌ها به صورت نگاتیو ضبط می‌شد و اگر این سینما را به حال خودش می‌سپرد، ممکن بود خیلی دیر ورود به این وادی را شروع کند. درباره استفاده از جلوه‌های ویژه هم سینمای ما مدیون فیلم «چ» و اعتمادی است که حاتمی‌کیا به متخصصان داخلی کرد و گرنه قبل از آن در پروژه‌های بزرگ دیگر مثل «ملک سلیمان» و امثال آن تمام این کارها را به خارجی‌ها می‌سپردند و نتیجه هم غالباً رضایت‌بخش نبود و اگر «چ» این راه را برای داخلی‌ها باز نمی‌کرد، ما هنوز جایگزینی جز همان گزینه‌های خارجی نداشتیم. پروژه موسی استفاده از تکنیکی را در ایران آغاز کرد که قبل از این به جز ایالات متحده در هیچ کشور دیگری مورد استفاده کامل قرار نگرفته است و سال‌ها بعد کسان دیگری خواهند نوشت که سینمای ما امروز مدیون راهی است که سال‌ها پیش ابراهیم حاتمی‌کیا با پروژه موسی باز کرد و کم‌کم به پختگی و کمال رسید.